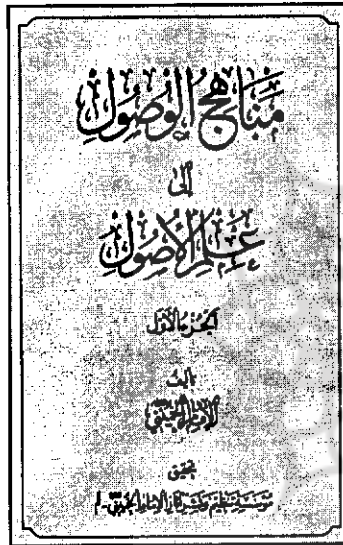


# مناهج الوصول الی علم الاصول

محمد رحمانی

معرفی کتاب



الف - مقدمه کتاب

مقدمه تحقیق به خامه حضرت استاد آیه الله حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی به عنوان یکی از شاگردان حضرت امام به نگارش درآمده است.

ایشان در مقدمه، مطالب سودمندی را مورد توجه قرار داده اند از جمله:

۱- هر چند بعضی از مورخان علوم، اول کسی را که در اصول فقه کتاب نوشته شافعی و بعضی ابویوسف شاگرد ابی حنیفه و گروه دیگر محمد بن الحسن الشیبانی فقیه عراق را نام برده اند. و لکن درست این است که اولین نویسنده پس از تأسیس علم اصول توسط امام باقر و صادق (ع) هشام بن الحکم به نام الالفاظ و مباحثها و یونس بن عبدالرحمن مولی آل یقطین در اختلاف الحدیث و مسائله نوشته است.

۲- اولین فقهی که در مقام استنباط به دانش اصول استناد کرد و از آن کمک جست شیخ جلیل حسن بن علی بن ابی عقیل که از

○ مناهج الوصول الی علم الاصول  
○ امام خمینی (ره)  
○ مؤسسه تنظیم و نشر آثار

پیشگفتار

بی شک توصیف حضرت آیه الله العظمی امام خمینی رهبر و بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی در قلم به ممکن و نه مورد نیاز است. ایشان در ابعاد مختلف علمی و عملی سرآمد پیشتاز، الگو و بی نظیر است از جمله در مباحث علمی مصطلح حوزی. از باب نمونه ایشان در دانش اصول بوفیقات چشمگیری داشته اند از جمله توفیق تدریس کتابهای اصولی و چند دوره خارج اصول و تدریس شاگردان زیادی که بسیاری از آنها در حال حاضر از اساتید سطوح عالی و خارج و طلاب بی شماری از حوزه دینی آنان بهره مند می شوند. افزون بر این نوشته های زیادی نیز از ایشان در ارتباط با مباحث اصول چاپ شده است از جمله:

- ۱- الاستصحاب، به قلم خود ایشان
- ۲- اتوارالهدایه، در دو جلد خاتمه بر کفایه الاصول، از اول جلد دوم تا بحث اشتغال در دو جلد به قلم خود ایشان.
- ۳- معتمد الاصول، تقریرات درسی ایشان به قلم حضرت آیه الله العظمی امام خمینی (ره) در یک جلد تا بحث برائت
- ۴- جواهر الاصول، تقریرات درسی ایشان به قلم آیه الله العظمی امام خمینی (ره) در یک جلد تا بحث صحیح و اعم
- ۵- تنقیح الاصول، در دو جلد تقریرات درسی ایشان به قلم آیه الله العظمی امام خمینی (ره) تا بحث مطلق و مقید.
- ۶- تهذیب الاصول، در دو جلد به قلم آیه الله العظمی امام خمینی (ره) تا بحث تعادل و ترجیح، به قلم خود ایشان.
- ۷- رساله ای در اجتهاد و تقلید به قلم خود ایشان.
- ۸- قواعد لازم به قلم خود ایشان.
- ۹- مناهج الوصول الی علم الاصول، در دو جلد تا بیان مطلق و مقید.

مقید.

این نوشته در پی آن است که نوشته آخر را معرفی اجمالی کند. مطالب آن ضمن پنج عنوان مطرح می شود:



پس از مباحث مقدماتی مطالب کتاب ضمن پنج مقصد که متضمن هیجده فصل است طرح شده است. مقصد اول در یازده فصل تنظیم شده است و مطالب زیر مورد تحقیق قرار گرفته است فصل اول بحث ماده امر و آنچه به آن تعلق دارد و در آن بحث معنای ماده امر و اعتبار علو و استعلا و نیز بحث دلالت ماده امر بر وجوب در فصل دوم مباحث صیغه امر و آنچه مربوط به آن است بررسی شده و مطالبی همانند مدلول صیغه امر بحث است یا نه، معنای هیئت صیغه امر، بحث تعدی و توصلی و اینکه قصد قربت در متعلق امر قابل اخذ است یا نه، مطالب مربوط به وجوب نفسی و عینی و همانند آن دلالت صیغه امر بر مره و تکرار و فور و تراخی رسیدگی شده است.

در فصل سوم بحث اجزاء مورد بحث قرار گرفته در این بحث پس از پنج مقدمه بحث در سه مرحله پی گرفته شده در مرحله اول این بحث مطرح شده که آیا پس از عمل به امر جایز است بار دوم همان متعلق بدون امر دیگر آورده شود.

و در مرحله دوم بحث از اینکه اگر فرد اضطرابی (غیرکامل) از مأمور به آورده شود مجزی و کافی از فرد کامل هست یا نه، به این معنا که اگر وقت باقی است و امکان آوردن فرد کامل هست اعاده واجب است و در خارج وقت قضا لازم است یا نه و در مرحله سوم این بحث که عمل طبق امر ظاهری در صورتی که دسترسی به امر واقعی نباشد مجزی از امر واقعی است.

فصل چهارم مطالب مربوط به قصد واجب را تحقیق کرده است و مطالب آن را ضمن پنج امر.

و در ضمن امر پنجم به تقسیمات مقدمه به داخلی و خارجی از یک سوی و از طرف دیگر به مقارن، متقدم و متأخر، مطلق و مشروط نفی و غیره پرداخته است.

در لابه‌لای بحث تحقیقی سودمند را در ارتباط با منشأ عبادیت طهارات ثلاث پرداخته است.

در فصل پنجم که ابتدای جلد دوم است این بحث که آیا امر به شیئی، اقتضای نهی از ضد آن را دارد یا نه مطرح شده است و مطالب آن ضمن چهار امر تحت عنوان اینکه آیا این بحث اصولی است یا نه ثمره و نتیجه آن و طرح اقوال مهم بررسی شده است.

و در فصل ششم این مطلب که اگر امر علم دارد که شرط مأمور به منتفی است یا این وصف امر جایز است یا نه.

در فصل هفتم چگونگی تعلق اوامر و نواهی به ماهیات بررسی شده است و در فصل هشتم باقی ماندن جواز پس از نسخ وجوب در سه مقام مورد بحث واقع شده امکان عقلی باقی ماندن مقتضای ادله در مقام اثبات و جریان استصحاب جواز.

در فصل نهم مباحث واجب تخییری و در فصل دهم واجب عینی و



مشایخ صاحب کتاب کامل الزیارات جعفرابن محمد قولویه و شیخ مفید بود. و پس از او ابن جنید معروف به اسکافی علم اصول را به عنوان منطوق فقه مورد استفاده قرار داد.

۳. روش بحث حضرت امام در تدریس دارای مزایای بی‌شماری بود از جمله اینکه مطالب را از ریشه و بن مورد دقت قرار می‌داد به گونه‌ای که چه بسا فکر می‌شد مطلبی قطعی و مسلم است ولی ایشان آن را مورد نقد قرار می‌داد و مطلب زیر و رو می‌شد و جایی برای مفروغ دانستن مطلب و بحث از فروعات آن نمی‌ماند و این روش بحث در رشد و نمو و تعالی بخشیدن افکار و اذهان نقش بسزایی دارد.

### ب - سیر اجمالی

مطالب کتاب بخش اول دانش اصول یعنی مباحث الفاظ را تشکیل می‌دهد. مؤلف محقق و مدقق بدون هرگونه مقدمه‌ای بحث را آغاز کرده و طبق روش معمول عالمان دانش اصول پس از آخوند خراسانی صاحب کفایة‌الاصول مباحث مقدماتی را از قبیل موضوع علم، مباحث وضع الفاظ، حقیقت و مجاز و علایم هریکه حقیقت شرعی، صحیح و اعم مبحث اشتراک الفاظ، استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا و بحث مشتق را پی گرفته و ضمن هریک از این مباحث مطالب زیادی را مورد نقد و بررسی قرار داده و نظرات ابتکاری را اتخاذ کرده‌اند که به بعضی از آنها اشاره خواهد شد.

آن علم بحث می‌شود.

ایشان این مطلب را قبول ندارد و بر این باور است که موضوع هر علمی گاهی نسبت آن به مسائل نسبت طبیعی به افراد است مثال علوم عقلی و گاهی نسبت کل است به اجزاء مانند علوم تاریخ و جغرافیا و گاهی موضوع تمام مسائل موضوع علم است مانند دانش عرفان که موضوع علم الله است موضوع مسائل نیز همان است.

ایشان پس از این مطلب به عنوان نتیجه‌گیری می‌فرمایند:

آنچه در میان علما مشهور شده است که هر علمی باید موضوع واحدی که جامع میان موضوعات مسائل باشد داشته باشد درست نیست زیرا هر علمی در ابتدا از قضایای بسیار محدود تشکیل شده و مؤسس آن بحث از عوارض ذاتی را به هیچ وجه در نظر نداشته است. ایشان علم فقه را به عنوان شاهد مطرح می‌کنند. می‌فرمایند:

آیا در علم فقه بحث از عوارض ذاتی فعل مکلف جزو مسائل موضوع آن وجود دارد به چه انگیزه‌ای در ابتدا ملتزم می‌شویم موضوع علم فقه فعل مکلف است و موضوع هر علمی چیزی است که در آن از عوارض ذاتی بحث می‌شود با اینکه احکام شرعی اولاً از عوارض ذاتی فعل مکلف نیست ثانیاً بر فرض این که عوارض ذاتی را تعمیم دهیم و امور اعتباری مانند احکام را فراگیر باشد تمام احکام شرعی از عوارض ذاتی به شمار نمی‌آید زیرا وجوب نماز از عوارض ذاتی صلاة نیست اما در خارج نیست زیرا خارج ظرف سقوط است نه ثبوت و اما از عوارض ذاتی وجود ذهنی نماز نیست روشن و بی‌نیاز از توضیح است و اما از عوارض ذاتی ماهیت نماز بهامی‌هی نیست زیرا ماهیت نماز صرف نظر از وجودش در خارج مطلوب شارع نیست تا واجب باشد. ثالثاً: لازمه اینکه بگویم احکام شرعی عوارض ذاتی فعل مکلف است موجب می‌شود بسیاری از مباحث فقه استطرادی باشند همانند ابواب زمان و مطهرات و نجاسات و ارث.

۲- در مبحث مجاز ایشان پس از نقد و بررسی کلام سکاکی نظریه استادش مرحوم ابوالمجدد شیخ محمدرضا اصفهانی در وقایع‌الاذهان را می‌پذیرد و می‌فرماید لفظ در تمام مجازها اعم از استعاره و مجاز مرسل و

کفایی و در فصل یازدهم تقسیم واجب به مطلق و موقت مورد بحث واقع شده است. مقصد دوم مشتمل است بر سه فصل.

در فصل اول متعلق نهی بحث شده است و در فصل دوم مباحث نواهی را ضمن هفت امر و دو تنبیه موردتوجه قرار داده است از جمله مطالب قابل توجه در این مقصد بحث تضاد و عدم تضاد میان احکام پنجگانه است.

فصل سوم دلالت نهی بر فساد ضمن شش امر پیگیری شده است. مقصد سوم اختصاص دارد به مباحث مفاهیم که با یک مقدمه درباره تعریف مفهوم شروع می‌شود و در فصل اول مفهوم شرط و در فصل دوم مفهوم وصف و در فصل سوم مفهوم غایت و در فصل چهارم مفهوم استثناء نقد و بررسی شده است.

مقصد چهارم در مورد عام و خاص است پس از طرح مطالب مقدماتی از قبیل فرق میان عام و مطلق اقسام عام مطالب این مقصد در هفت فصل پی گرفته شده است.

در فصل اول حجیت عام تخصیص خورده نسبت افراد باقی مانده و در فصل دوم تخصیص عام به الفاظ مجمل و در فصل سوم جواز عمل به عام پیش از فحص از مخصص و در فصل چهارم فراگیر بودن خطابات شفاهی نسبت به غیر حاضرین و در فصل پنجم تخصیص عام به ضمیری که به بعضی افراد برمی‌گردد و در فصل ششم جواز تخصیص عام به مفهوم مخالف و موافق و در فصل هفتم بحث حکم جمله‌های متعددی که پس از کلمه استثناء آورده می‌شود مطرح شده است.

مقصد پنجم در مورد مباحث مطلق و مقید با چهار فصل ادامه پیدا کرده است. در فصل اول تعریف مطلق و مقید و در فصل دوم اقسام اسم جنس و ماهیت و در فصل سوم مقدمات حکمت و در فصل چهارم احکام هریک از مطلق و مقید بررسی شده است.

در پایان این بخش نکاتی شایسته یادآوری است.

۱- مناهج الوصول مشتمل بر مباحث الفاظ و انوار الهدایه در دو جلد که تعلیقه بر کفایه است مشتمل بر مباحث قطع و ظن و شک (برائت) تخییر و اشتغال و رسائل ایشان مشتمل بر قاعده لاضرر و استصحاب و تعادل و تراجیح و اجتهاد و تقلید است که مجموعاً یک دوره اصول به قلم ایشان به شمار می‌آید.

۲- مباحث کتاب مناهج الوصول به ترتیب کفایه‌الاصول است.

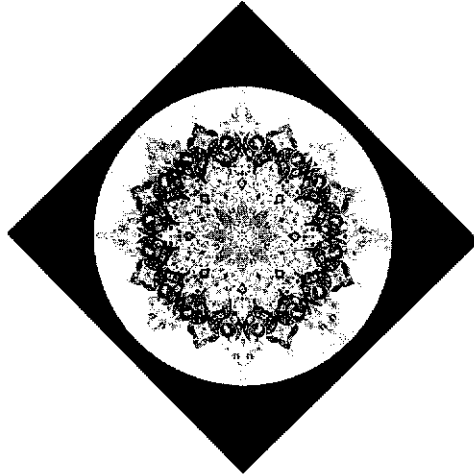
۳- حضرت امام افزون بر نقد نظرات بزرگانی همانند حاج شیخ عبدالکریم حایری، نظرات فیلسوفان را از جمله ملاصدرا مطرح و نقد کرده‌اند.

ج - گزارش بعضی از موارد قابل توجه

۱- مشهور در تعریف موضوع علم گفته‌اند:

موضوع هر علمی عبارت است از مطالبی که از عوارض ذاتی آنها در





حضرت امام در مقام پاسخ از این دو اشکال می‌فرمایند: اما اشکال اول درست نیست زیرا انکار اطلاقات در مقام بیان که اجزاء و شرایط آن مورد شک باشد زورگویی است. و اما اشکال دوم درست نیست زیرا بنابراینکه الفاظ برای اعم وضع شده باشد در مورد شک به اطلاق آن اخذ می‌شود و منافاتی میان جواز تمسک به اطلاق و احتمال ورود قید منفصل بر اطلاق نیست.

بعضی در پاسخ اشکال دوم گفته‌اند قید صحت نسبت به عناوین مطلق لبی و غیر ارتکازی است و مثل چنین قیودی تمسک به عام در شبهات مصداقیه صحیح است.

حضرت امام این پاسخ را نمی‌پسندد و می‌فرماید درست نیست زیرا همانگونه که قید لفظی منفصل اصالة الجذ را از نظر عقلا ساقط می‌کند همچنین قید لبی غیر ارتکازی اصالة الجذ را ساقط می‌کند و موجب می‌شود تا تمسک به اطلاق صحیح نباشد.

۴. در بحث اینکه آیا امر به شیئی نهی از ضد می‌کند یا نه ثمره فقهی آن از نظر مشهور عبارتست از بنابر اقتضا ضدآمور به منهی عنه است و از آنجا که نهی در عبادات موجب فساد است اگر ضد مأمور به عبادت باشد باطل خواهد بود.

حضرت امام این ثمره را منکر است و می‌فرماید ممکن است این ثمره را انکار کرد زیرا اقتضای نهی نسبت به فساد یا به جهت این است که نهی کاشف از بنده در متعلق ضد است و یا به جهت اینکه آوردن ضد نه تنها عبد را به خدا نزدیک نمی‌کند بلکه دور می‌کند چون مورد نهی و تفر الهی است پس قابل تقرب نیست ولی در مورد بحث چون عقل کاشف است از اینکه در ضد مصلحت ملزمه وجود دارد زیرا میان مقتضیات هریک از مأمور به و ضد آن تراحمی وجود ندارد و پس نهی نمی‌تواند کاشف باشد از وجود مفسده در ضد پس از این جهت نهی موجب بطلان ضدعبادی نیست.

و از سوی دیگر نهی که جنبه مقدمی دارد برای مأمور به ارتکاب آن

مجاز در حذف و کنایه و اعم از اینکه لفظ مفرد باشد و یا مرکب در تمامی این موارد لفظ در موضوع له به کار رفته است ولی تطبیق معنای موضوع له بر آنچه اراده کرده است همراه است با ادعای اینکه موضوع له همانی است که گوینده اراده کرده است و به عکس به عنوان مثال اگر گوینده به هنگام دیدن شخص سخاوتمند می‌گویند رایت حاتماً لفظ حاتم در موضوع له اصلی یعنی شخص مشهور و معروف در تاریخ به کار رفته است ولی گوینده ادعا کرده شخص دیده شده همان حاتم طایی است.

تفاوت نظر سکاکی در استعاره نظر مورد تأیید حضرت امام در این است که سکاکی پیش از استعمال و اطلاق لفظ ادعا می‌کند پس از ادعا لفظ در مصداق ادعایی به کار رفته است ولیکن بر مبنای حضرت امام ادعا به هنگام استعمال و پس از استعمال است.

۳. یکی از مباحث مقدماتی این است که الفاظ عبادات برای خصوص صحیح وضع شده است و یا برای اعم از صحیح و فاسد. نیت به ثمره فقهی این بحث میان صاحب‌نظران گفتگوهای زیادی صورت گرفته است.

حضرت امام می‌فرماید ثمره این بحث عبارتست از جواز تمسک به اطلاق بنا بر اینکه الفاظ برای اعم از صحیح و فاسد وضع شده باشد مثلاً اگر عنوان عبادتی در آیه و یا روایت آمده و شک در دخالت شرطی در آن داشته باشیم می‌توانیم با تمسک به اطلاق آن عبادت را بدون آوردن شرط مشکوک اتیان کنیم ولی اگر الفاظ عبادات تنها برای خصوص صحیح وضع شده باشد، تمسک به اطلاق برای نفی شرط مشکوک صحیح نیست.

بر این ثمره اشکالاتی شده از جمله اینکه: اولاً در کتاب و سنت، اطلاقی که در مقام بیان باشد و مورد شک باشد نداریم تا ثمره این بحث در آنجا آشکار شود، ثانیاً: مأمور به همیشه حصه صحیح است حتی در نظر کسانی که وضع الفاظ را اعم از صحیح می‌دانند بنابراین در موارد شک تمسک به اطلاق برای نفی شرط درست نخواهد بود.



موجب بعد و دوری عبد از رب نمی‌شود پس از این جهت هم نهی موجب بطلان ضدعبادی نیست.

۵- حضرت امام در مقام بیان مبانی مختلف در ارتباط با مفهوم پس از تذکر این نکته که برای مفهوم تعریف‌های گوناگون شده و نیازی به طرح تمامی آنها نیست می‌فرماید مفهوم براساس مبنای عالمان متأخر یا از ادات شرط استفاده می‌شود و یا اینکه قضیه شرطیه روی هم بر مفهوم دلالت دارد و یا چون کلام اطلاق دارد بر اینکه شرط علت منحصره است برای حکم استفاده می‌شود یا نبودن شرط حکم نیز منتفی است در هر صورت براساس هر یک از این مبانی دلالت بر مفهوم جزو دلالت التزامی بین به شمار می‌آید و اما بر مسلک قدما براساس نسبتی که به آنها داده شده است دلالت بر مفهوم جزو دلالت التزامی نیست زیرا براساس این نسبت از آوردن قید اختیاری استفاده می‌شود قید در حکم دخالت دارد و با نبودش حکم منتفی می‌شود.

ایشان در پایان پس از اینکه این نسبت را به قدما نمی‌پذیرد می‌فرماید بر هر دو مسلک یعنی چه مفهوم مدلول التزامی باشد و چه نباشد نزاع و اختلاف صغروی است نه کبروی بنابراین بحث در بود و نبود مفهوم است و اما اگر فرض مفهوم شود حجیت آن نیز قطعی و مسلم است.

۶- حضرت امام در مقام فرق گذاری میان عام و مطلق از استادش مرحوم آیه‌الله حایری نقل می‌کند که عموم اگر از لفظ استفاده شود عام است مانند عمومی که از لفظ کل استفاده می‌شود و در مقابل آن خاص است و اگر عموم از لفظ استفاده نشود مطلق است و در مقابل آن مقید است.

ایشان این مطلب را نمی‌پذیرد و می‌فرماید عام همانگونه که اشاره کرده‌اند عمومی است که از لفظ استفاده می‌شود ولی مطلق عموم نیست زیرا پس از جریان مقدمات حکمت لفظ نه دلالت بر عموم دارد و نه دلالت بر افراد بلکه دلالت دارد که موضوع حکم نفس طبیعت بدون قید است. بنابراین فرق عام و مطلق در این است که موضوع در عام تمام افراد است ولی در مطلق خود طبیعت است بدون قید و افراد مورد توجه نیست.

۷- از جمله نظرات اختصاصی نقد و رد مطلب قطعی و مسلمی است که در موارد زیادی در اصول از آن یاد شده است و آن اینکه:

ماهیت ضمن وجود یک فرد محقق می‌شود ولی برای انعام ماهیت باید تمام افراد آن منعدم باشد.<sup>۹</sup>

ایشان این مطلب را نمی‌پذیرند و بر این باور است ماهیت همانگونه که در وجود ضمن یک فرد وجود پیدا می‌کند در ناحیه عدم نیز ضمن انعام یک فرد منعدم می‌شود زیرا هنگامی که ماهیت انسان با وجود زید محقق شد یک ماهیت انسان و اگر همراه با عمرو وجود پیدا کرد ماهیت دیگری از انسان وجود پیدا کرده‌است. بنابراین وجود زید وجود یک طبیعت

کامل انسان است پس اگر زید منعدم شد طبیعت کامل انسان نیز منعدم شده است. اگر اشکال شود لازمه این مطلب عبارتست از اینکه ماهیت انسان در آن واحد متصف به وجود و عدم باشد و این محال است زیرا اجتماع ضدین است.

در پاسخ گفته می‌شود همانگونه که ماهیت انسان نسبت به دیگر اوصاف مثال سفیدی و سیاهی، علم و جهل، غنا و فقر در آن واحد به هر دو متصف است کذالک نسبت به وجود و عدم و اشکال اجتماع ضدان و یا نقیضان نیز لازم نمی‌آید زیرا محل هریک از این اوصاف با دیگری متعدد است.

#### د- چگونگی طبع

کتاب از نظر ظاهری، ظاهری آراسته با حروفی مناسب و صفحه‌آرایی شایسته با جلد زرکوب در قطع رحلی به زیور طبع آراسته شده است.

تحقیق کتاب را مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی برعهده گرفته و در هفت مرحله انجام گرفته از جمله نکات برجسته این تحقیق عبارتست از:

۱- استخراج منابع مورد اشاره حضرت امام (ره)

۲- شرح حال افرادی که نامی از آنها برده شده است.

۳- استخراج آدرس آیات و روایات

۴- تهیه فهرس گوناگون که به یازده مورد می‌رسد. این فهرس خواننده را در استفاده از کتاب بسیار کمک می‌کند.

ه- یادآوری‌ها

هرچند کتاب از جهات مختلف شایسته تحسین و ستودنی است ولیکن از جهاتی قابل تأمل است از جمله:

۱- در برخی از موارد اشعار آدرس داده نشده است از جمله ج ۱، ص ۱۱۹ و ج ۲، ص ۲۴۰

۲- در آدرسها از روش واحدی پیروی نشده است. در برخی از موارد منبع در ابتدا و در برخی از موارد در پایان ذکر شده است از جمله ج ۲، ص ۱۶۴.

۳- در ذکر پاره‌ای از آیات رسم الخط قرآن رعایت نشده است از جمله ج ۱، ص ۱۳۶ و ص ۳۰۲.

پانوشته‌ها:

۱- سیوطی، الاوائل

۲- ابن خلکان

۳- ابن ندیم، الفهرست

۴- ابوالعباس نجاشی، الرجال

۵- ص ۱۷